۱ ــ ایت‌الله خمینی در میان مبارزان مذهبی ,بی تردید بزرگترین کوشنده ضد شاهی است که به بسیج توده‌های مردم علیه خاندان جنایتکار پهلوی همت گماشته است . مقاومت این قائد اعظم شیعه در مقابل سیاستهای تطمیع و سرکوب شاه و اربابان امپریالیستی‌اش و اشتی ناپذیری دهر پای وی با این کانون استثمار در ایران ,احترام همگی نیروهای ازادیخواه و انقلابی میهن ما را جلب و احتشام جهانی برای ایشان فراهم اورده است . چنین جایگاه پر اهمیتی در متن مبارزات اجتماعی ,حساسیت و وزن بخصوصی به گفتار و فتوای ایشان می‌بخشد و توجه همه جانبه ئی را به نظریات ,مواضع و شعارهای مطروحه از جانب این زعیم مذهبی جلب میکند .

۲ ــ پیکار کنونی مردم میهن ما واکنشی عصیان امیز و شورشی همه جا گیر ,اتشفشانی از ستم و حقارت و فقر بجا مانده از نسلهاست علیه هر انچه مستبد ,ستمگر ,مفسد ,منحط ,نابسرابر و غارتگر است . پیکاری است بغایت خود جوش و طغیانی ,در جستجوی ازادی و دمکراسی و خواه بهزیستی عمومی . اماج این اردوی حق و ازادیخواه ,شاه است و نظام غارتگر و جنایتکار پلیسی نظامی‌اش بمثابه کارگزار اردوی امپریالیستی بسرکردگی امپریالیسم امریکا .

۳ ــ مراجع و دستگاههای امپریالیستی که طی یکسال اخیر در اجرای نقشه‌های رنگارنگ برای ارعاب مردم دلیر و بپا خاسته پی در پی ناکام شده‌اند ,اخیرا به تبلیغات دامنداری علیه مردم ما روی اورده‌اند . انها بانواع حیله ها و با بهره گیری از همه نقاط ضعف موجود جنبش ,میکوشند تصویر پیکار ازادیخواهانه و جویای دمکراسی مردم را به چشم جهانیان وارونه جلوه دهند و اینطور وانمود کنند که گویا مردم ایران برای بازگشت به گذشته‌های مبهم و دور از تمدن کنونی می‌جوشند و گویا تعصبی بزرگ و مذهبی راه بر کاروان ترقی بسته است . این تبلیغات مذموم و مردود مراجع امپریالیستی ادامه سیاست وحشت اندازی و ترور فکری انهاست که هر بار بگونه‌ئی میکوشند مبارزات رهائی بخش و ازادی جوی خلقهای جهان را توسط ابزارهای نیرومند پخش افتراو تهمت به هاله از ابهام و انفراد بین‌المللی بکشانند و ضمنا باینوسیله در میان نیروهای اپوزیسیون نیز شکاف اندازی کنند تا مگر بهنگام تشتت حال مبارزین/خود راه چاره‌ئی برای ادامه ستم و غارتگری بیابند

قوای ارتجاع تا اخرین نفس از فتنه انگیزی علیه قوای مردم دست بردار نیست و پیوسته در کمین تمهید دیگری است . این دامها شناخته است و لذا نیازمند هشداری بهمه جناحهای دخیل در نبرد کنونی که بهوای منافع خلق بپا خواستهمان مدافع کلیه نیروهای مردمی باشیم و کوشای حفظ اتحاد و همبستگی در پیکار ضد استبداد و شاهی .

۴ ــ لیکن تاکیدما بر همگامی و همبستگی و هشدار ما به گرایشهای تفرقه انداز درون اپوزیسیون بویژه به ان مواضع و مراکزی که ندانسته به وفادارترین و سخت‌کوش‌ترین مبارزان راه دمکراسی یعنی نیروهای چپ مستقل و ازاده اتهامات و افتراهای ناروا وارد میکنند ، بمعنی ندیدن نقاط ضعف کردار و گفتار و اوضاع جاری جنبش نمیباشند . این وظیفه و حق همه بخشهای اپوزیسیون است که با حفظ یکپارچگی در پیکار بطور مستدل و با احترام متقابل به کاستی های نظری و نقطه نظرات متفاوت یکدیگر اشاره کرده ، بروشنگری بکوشند . مواضع و مطالب بسیاری پخش و تبلیغ میشوند که باعث کج روی این و ان بخش اردوی ازادی میگردند و ضمنا مستمسك و بهانه‌ئی برای تشدید تبلیغات دشمنان مردم شده‌اند . لذا دقت وافری در کم و کیف مضمون مواضع و نوشته های برجستگان نهضت کاری است بر عهده بخشهای خود اپوزیسیون برای شرکت در بحث و کنکاش برنامه ئی و حلاجی جوانب طرحها و مقصود های سیاسی . اپوزیسیونی که در درون خود قادر به بررسی ازادانه و بی واهمه نقایص و نادرستیهای نظری موجود باشد بمراتب در مقابل تمهیدها و کوششهای تفرقه افکنانه دشمن (همونتر) است تا اپوزیسیونی که از بیم این و ان واکنش احساسی و رودربایستی سیاسی بر همه چاله چوله‌های فکری ــ برنامه‌ئی خود پرده دروغین وحدت نظر بکشد و بچشم خود بیهوده خاك بپاشد . ما در یاد داشت کوتاه زیر به مسئله حکومت اسلامی و نظریات ایت الله ــ خمینی در این مورد اشاراتی پرسش‌انگیز داریم و این کاوش را علیرغم احترام و ارج والائیکه به این رهبر بزرگ و اشتی ناپذیر اسلامی و کوششهای ارام ناپذیرش علیه دودمان جنایتکار پهلوی میگذاریم ضروری میدانیم ، بمنظور روشنگری و برای یاری به کوششی مشترك برای رفع نقایص و نادرستیها .

نگاهی به کتاب حکومت اسلامی

از میان همه نوشته های ایت الله خمینی کتاب حکومت اسلامی بیشترین اهمیت را می یابد ، زیراکه این شعار چون طرحی حکومتی برای جایگزینی نظام کنونی مطرح و سفارش میشود . فصول این کتاب « ولایت فقیه » یا حکمرانی علمای اسلام ، در واقع شامل جامع ترین نظریات خمینی در مورد مسائل حکومتی و اداره مردم بر کشور میشود و مطالعه این اثر راز بسیاری از نگرانیهای رهروان جنبش را اشکار میکند . در این کتاب همراه مطالبی مفصل در افشاء جنایات و فساد و غارتگری رژیم و استعمار جهانی ، همراه یکسلسله نکات تاریخی مربوط به صدر اسلام و کم و کیف زندگی و حکومتی اندوران ، کم نیستند مواضع و نقطه نظرات و استنتاجاتی که جای بسی سوء تفاهمات و حتی هراس عیان برام ازادیخواهان بجای میگذارند و ضمنا مدتی است که از جانب دشمنان مردم چون بهانه و دلیلی برای وارونه نشان دادن ماهیت و راستای پیکار کنونی خلق مورد سوء استفاده واقع میشوند . در فصلی که ایشان به تاکید ضرورت حکومت و دستگاه دولتی اسلامی اشاره میکنند ، معه از تاریخ صدر اسلام نمونه میاورند : « رسول اکرم (ص) در راس تشکیلات اجرائی و دارای جا مسلمانان قرار داشت . علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام به اجرای احکام و بر قراری نظامات اسلام همت گماشته بود تا دولت اسلام را بوجود اورد . در ان زمان مثلا به بیان قانون جزا اکتفا نمیکرد بلکه در ضمن به اجرای ان میپرداخت ، دست میبرید ، حد میزد ، و رجم میکرد » روشن اشاره میشود که تنها سخن از بیان قانون است و نه قانونگزاری ، زیرا که قانونگزاری توسط کتاب مقدس اسلام یعنی قرآن انجام و پایان یافته و تکلیف مانده همانا بیان و تفسیر و اجرای انست که در انزمان در شخص پیغمبر تجسم می یافته و . . . » بعد از رسول اکرم ائمه اطهارند که متصدی چند وظیفه یا مقام هستند یکی بیان و تشریح عقاید و احکام و نظامات اسلام برای مردم که با بیان و تفسیر قرآن و سنت مرادف میباشد ، و دیگری اجرای احکام و بر قراری نظامات اسلام در جامعه مسلمانان ، . . . پس از ایشان فقهای عادل عهده دار این مقامات هستند » (ص ۲۸ زیر نویس)

این ابرازات پرسشهائی را بر میانگیزند : ایا در قاموس حکومت اسلامی ایت الله خمینی قوه مقننه بی وجود و بجای ان قوه مفسره وجود دارد ؟ و ایا اگر چنین است ، مرجع صالح برای تفسیر و تشریح قوانین ابدی الهی ، نه توده های زحمتکش و برگزیدگان مستقیم انها ، بلکه ، فقیه عادل شیعه میباشد ؟ ایا برداشتن اصل مردم خواهانه نمایندگی منافع توسط برگزیدگان خلق و نهاد اصل ولایت یا فرمانروائی ، فقهای عادل ، مراعات منظور و مطلوب مبارزه کنونی مردم ما میباشد ؟ ا در این استقرار ، ولایت فقیه ، اصل ازادی مبارزه برای کسب حقوق و قوانینی سوای انچه جاری اس حذف نمیشود ؟ و لذا با حذف این ازادی نقش فعال نیروی لایزال مردم در تعین و تغییر سرنوش خودشان انکار نمیگردد ؟ ما در اینجا مدافع شیفتگی ساده لوحانه کسانیکه به نظام پارلمانتاریست بورژوائی دلبستهاند نمیباشیم خوب میدانیم که چه تسمه‌های پیدا و نا پیدائی مجالس ، ازاد ، سرمایه داری را به مراکز و انحصارات سرمایه می بندد و فرستادگان زحمتکشان را تحت چه فشارها و تبعیضات و تهدیدهائی میگذارد . لیکن رد این نوع نظام مجلسی منحط و عوافریبانه بمعنی رد اص قانونگزاری از جانب مردم نمیباشد . در صفحه ۳۲ ایت الله خمینی در بیان ، ماهیت و کیفیت قوانی اسلام ، اشاره میکنند که ، احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یك نظام کلی اجتماعی را میسازد . در این نظام حقوقی ، هر چه بشر نیاز دارد فراهم امده است ، بنظر ما این درجه کمال قانونی و حقوقی احکام شرع که از روز ازل تا ابد زندگی بشر را اینقدر دقیق و بسیط بر اورد کرده ، سخت اندیشه انگیز است . بنا بر این ابراز ایت الله ، دیگر قوه ابتکار و خلاقیت و فعالیت ادمها برای تنظیم و اصلاح و انقلاب زندگی اجتماعی بی معنی میشود یا اینکه معنی اش میشود اجرای احکا شرع ؟ ! وانگهی ایا تاریخ طولانی مبارزات مردم جهان برای تغییر و تحول و بهمزیستی پیوسته در دایره این احکام بوده اند و هستند و باید باشند ؟ گمان میرود که گفته فوق ایت الله خمینی از بد بینی احتمالی وی به قوه تعالی بشر با اتکاء بخود سر چشمه میگیرد چونکه در جائی دیگر مثلا اشاره

میکنند : «مردم ناقص‌اند و نیازمند کمالند و ناکاملند و ... » (ص۴۸) و نیز «تجاوزانان به حقوق دیگران و اینکه برای تامین لذت و نفع شخصی به حریم حقوق دیگران دست اندازی کنند همیشه هست» و از این رو «لزوم تشکیل حکومت (اسلامی) همیشگی است».

این از برجسته ترین تناقضات «ولایت فقیه» است که نویسنده‌اش از سوئی با وجد و تاکید زیادی مبلغ و مروج و طالب حکومت اسلامی بمثابه حکومتی برای استقرار عدل و اورنده سعادت ابدی است و از سوی دیگر وجود فلاکت و ظلم و بیعدالتی را همیشگی فرض‌میدارد وباین‌دلیل حکومت اسلامی را همیشگی میشمارد . پرسیدنی است که چگونه حکومتی که خود مدعی برقراری ابدی «حق» و ازبین برنده «باطل» است و داعما با بیعدالتی و فلاکت همیشگی دست‌به گریبان خواهد ماند ؟ ایا علیرغم خود این حکومت باز هم ان «باطل» ظاهرا ازبین رفته تولدی دوباره می یابد ؟ و ایا این نشان نمیدهد که هستی «باطل» مستقل از استقرار حکومت اسلامی جاری است و به بقای شرایط دیگری وابسته است ؟ ولذا ازبین بردن ان به وسیلهٔی دیگرغیر ازحکومت اسلامی نیاز دارد ؟ اگر حکومت اسلامی رسالت ازبین بردن ابدی بدیها و استقرار خوبیها را میداشت و پس‌بقای بعدی این حکومت دیگر ضرورتی نمیداشت و میباید سر زمین میگذاشت . تازه از اینها گذشته یك سئوال دیگر هم می ماند که اگر در اسلام بوسیله حکومت اسلامی سعادت دنیوی میاید پس‌دیگر قضاوت و عقوبت اخروی در روز قیامت و تقسیمات دوزخ و برزخ و جنت‌بچه کار بشر میاید ؟

درباره طرز حکومت هم فصلی درکتاب امده که مولود نگرانیهای فراوان همه ازادیخواهان است: "حکومت اسلامی هیچیك از انواع طرز حکومتهای موجود نیست» ... حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است ... فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومتهای مشروطه سلطنتی و جمهوری در همین است . در اینکه نمایندگان مردم یا شاه در اینگونه رژیمها به قانونگزاری میپردازند در صورتیکه قدرت مقننه و اختیار تشریع در اسلام به خداوند متعال اختصاص‌یافته است . شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است . هیچکس‌حق قانونگزاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمیتوان بمورد اجرا گذاشت . بهمین سبب در حکومت اسلامی بجای مجلس‌قانونگزاری .... مجلس‌برنامه ریزی وجود دارد » (ص۵۳) چند سطر پیشتر اورده شده که مجموعه این قوانین و شروط الهی «قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است» مطلب تا انجا که مربوط به بسط و اشاعه بی چون و چرای اسلام میباشد روشن است ولی از انجا که مربوط به پیکار مردم ما برای ازادی و دمکراسی یعنی استقرار همه نوع ازادی عقیده و بیان اجتماع «سازماندهی» قانونگزاری و برنامه‌ریزی و اجرای

برنامه های گوناگون و حکومت ناشی از اراده و توان اکثریت میشود ، نا روشن و باز هم بر انگیزنده پرسشهائی اینبار سخت نگران کننده میباشد . تنها کافی است که به لحن و رویه امری این سطور توجه گردد و دانسته استکه عدول از امر در اسلام مستوجب کیفر است ! بی جهت نیست که درصفحه بعد باصلابت یك ایه اسمانی اعلام میشود :حکومت اسلام حکومت قانون است . در این طرز حکومت حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست . قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد . . »

اما شاید برای ملت که گویا طفل صغیری است چیزی جز این حکومت قادر متعال روا نباشد و گرنه حضرت ایت الله خمینی نمی نوشت : « ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس . . . و واقعیتی جز قرار دادن و تعیین قیم برای صغار ندارد . قیم ملت با قیم صغار از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد . . » (ص ٦٥)

حال چگونه و بچه اعتباری عده ئی از همین طفلان صغیر ، فقهای عادل ، و قیم صغار میشوند واین چون و چرای تعالی مقام انها چه ضمانتی در دست کدام قدرتی دارد ، مسئله ئی استکه میماند .

در صفحه ۷۰ حضرت خمینی تحت عنوان « هدفهای عالی حکومت » متذکر میشود که حکومت اسلامی تشکیل میشود « برای اینکه حق را بر قرار کند و باطل را از میان ببرد . . »

پس اگر قیام این « قیم » برای منظور فوق است پس دیگر چرا باید ابدالدهر باقی بماند مگر اینکه معترف باشد تا ابد هم موفق به برقراری حق و از بین بردن باطل نمیشود ، زیرا که اگر حق برقرار شود معنئ ندارد جز اینکه « ملت صغیر » کبیر شده است و ناگزیر بی نیاز از قیم و چنانچه باز هم قیم بر کبیر ولایت کرد دیگر این تحمیل برامت است و نمیتواند مطلوب و مقبول افتد .

دیدیم که قوه مقننه در حکومت اسلامی کنار گذاشته شد و جای انرا خداوند و الهامات و سخن اش گرفت که اورنده و بیانگر و مفسران پیامبر اسلام و پس از وی « اولی امر » هستند . ایا قوه مجریه هم چنین سر نوشتی دارد ؟ « همانطور که پیغمبر اکرم (ص) مامور اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام بود و خداوند او را رئیس و حاکم مسلمین قرار داده و اطاعتش را واجب شمرده است فقهای عادل هم بایستی رئیس و حاکم باشند و اجرای احکام کنند (ص ۹۲)

اری دادرسی و دادخواهی و دادگستری همه را خدا خودش انجام میدهد بیخود ده نمیدویند تو به خدا کن همه کارهایت درست میشود ! این مختصر نتیجه نگاهی بود به کتاب حکومت اسلامی .

ما که هوادار بی امان کمونیسم هستیم به نبرد طبقاتی باور داریم ، ما بقدرت لایزال افرینندگی و تعالی ناشی از این جدال دورانساز توکل میداریم . در متن پیکار کنونی مردم ایران برای ازادی و دمکراسی ، ما جویا و کوشای گسترده ترین و ژرف ترین برنامه های دمکراتیک برای زحمتکشان میباشیم ما معتقدیم که اگر مردم علیه استبداد شاهی می جنگند ، برای دمکراتیزه کردن تمامی نهاد های اجتماعی و در تصویر نهائی برای تصرف قوای مقننه و مجریه و قضائیه و سایر امکانات روابط عمومی می رزمند نه برای تفویض این اهرمها به "علمای اسلام" . ما علیرغم همه تهمت و افتراهای ایت الله خمینی و انصارشان به کمونیسم و کمونیستها ، به رویه پیکارگری ان دلاوران کمونیستی اقتداء میکنیم که سلاح در دست شانه بشانه مبارزین اسلامی علیه استبداد و نظام شاهی جنگیدند و در اینراه شهید راه و قلب توده ها شدند . ما در تصویر نهائی برای ایرانی میکوشیم ابادو ازاد و شکوفان که در ان ازادی برای همه گروهها و جناحهای طالب و جوینده بهزیستی زحمتکشان ، چه مذهبی و چه لا مذهبی ، موجود و شکوفانی اندیشه و ابتکار و خلاقیت و خود اداری زحمتکشان پرتوئی درخشان از نهاد حکومتی ان است : حکومت انجمنهای کارگری

بعد التحریر : ممکن است کسانی ایراد گیرند که ایت الله خمینی در نوشته‌ها و مصاحبات اخیرش از مواضع پیشین اش در مورد حکومت اسلامی در گذشته و پس از ملاقات با اقای دکتر سنجابی باصطلاح عقب نشینی کرده که رویهٔ حکومتی جمهوری باشد و رفراندوم راه ان . باید بگوئیم . چگونگی انجام رفراندوم و بخصوص طرز طرح سئوال رفراندوم در سر نوشت سیاسی ان بسیار موثر است . فرق میکند که شما طرح جمهوری را به رای مردم بگذارید یا طرح جمهوری اسلامی را . ایت الله خمینی با اطمینان به ذخیره باور مذهبی مردم از پیشنهاد دکتر سنجابی دال بر تعیین سر نوشت سیاسی از طریق رفراندوم پشتیبانی کرده است . لیکن باین ترتیب طرح حکومت اسلامی که اینبار بنام جمهوری اسلامی امده نه تنها قانونیت الهی که تائید مردمی نیز میگیرد . این هوشیاری و دور اندیشی ایت الله خمینی را میرساند باضافه همان مواضع امده در کتاب حکومت اسلامی . نا گفته نماند که تاکنون هیچگونه تصحیح و تنقیدی بر کتاب حکومت اسلامی از جانب ایشان یا انصارشان انجام نگرفته است .

روشن تر از این نمیشود که قوه مجریه هم درک همان کسانی است که قوه مقننه را بچنگ داشتند: فقهای عادل که همان علمای اسلام اند . باز هم یادآوری کنیم که ما دلخسته نظاماتی که قوه مقننه و مجریه شان را ظاهرا جدا از هم و مستقل از یکدیگر قلمداد میکنند (نظام پارلمانتاریسم بورژوائی) نمیباشیم و بیشتر طالب نظامی هستیم که قوه مقننه و مجریه متصل و مرتبط و بهم گرویده باشند ، تا میشود یکی باشند . لیکن این یگانگی نسبی را نه در فرد شاه مستبد و نه رئیس جمهور و مطلقالعنان و نه ، فقهای عادل ، می جوئیم بلکه در شایستگی و ضرورت ارگانهای جمعی زحمتکشان در واحدهای تولیدی ، اداری ، آموزشی ، میدانیم و گسترش هر چه بیشتر و بلاواسطه تر قوه قانونگزاری و اجرائی مردمی خود مردم و نمایندگان عزل شدنی انها طالبیم یکچنین نظامی مملو از ازادی و فرزانگی تودهئی را ترویج میکنیم :نظام شوراهای انقلابی مردم .

ایت الله خمینی بدرستی و بارها به نظام شاهنشاهی حمله کرد ماند و استبداد دیرپای این نظام را در ایران افشاء و برملا نمود ماند . لیکن ارائه راه حلی چون ، فقهای عادل ، که همه کاره و صاحب همه قوای کشوری و اخلاقحکم بر ملت از هر طرف باشند ، گره استبداد را باز نمیکند . این درست استکه بسیاری از فقهای اسلام در مبارزه ضد استبدادی میهن ما نقش برجستهئی داشته و دارند ، لیکن عدالت این کوشندگان اسلامی دلیلی بر ضرورت و کفایت حکومتی انها نیست ، مشك باشد لفظ و معنی بوی او . عدالت مفروض این فقها ضمانت حکومتی عادل نیست . مکانیسمها و ضوابط کرداری افراد در زندگی مبارزاتی شان با ضوابط و مکانیسمهای حکومتی انها همسان نیست ، گرچه ان براین مؤثر است .صرف عادل بودن افراد خود به خود به استقرار عدالت اجتماعی نمی انجامد . وانگهی خود صفت عادل نیز جای تعبیر و تفسیر و توضیح گوناگون باز میگذارد .بهر حال پیکار مردم ایران برای ازادی و دمکراسی ، روال فروکوبی هر گون خود کامگی است و طریق طولانی طی خواهد کرد .

در کتاب ایت الله خمینی همه قوای جاری مملکتی در دست ، فقهای عادل ، و ، علمای اسلام ، متمرکز میشوند حتی عاملین قوه قضائیه هم ، فقهای عادل ، میباشند : "دادرسی با فقیه عادل است ، (ص ۹۸) و ، فقیه وحی رسول اکرم (ص) است و در عصر غیبت ، امام المسلمین و رئیس الملة میباشد ، و او باید قاضی باشد ، و جز او کسی حق قضاوت و دادرسی ندارد ، (ص ۱۰۲) . بنا بر این مسئله وکیل مدافع هم دیگر جائی پیدا نمیکند ؟ !

اری دادرسی و دادخواهی و دادگستری همه را خدا خودش انجام میدهد بیخود که نمیگویند توکل به خدا کن همه کارهایت درست میشود ! این مختصر نتیجه نگاهی بود به کتاب حکومت اسلامی .